

## کوبانی و تقابل با داعش



### مصاحبه حکمتیست با خالد حاج محمدی

**حکمتیست:** مدتی است بحث از حمله خانه خرابی مردم سوریه تبدیل شد، داعش به شهر «کوبانی» از کردستان سوریه و مقابله مردم این شهر و نیروهای مسلح حزب اتحاد دمکراتیک با آنها در جریان است. ماجرا از چه قرار است؟

**خالد حاج محمدی:** کوبانی شهری ۵۰ هزار نفره در کردستان سوریه است که با تلاش کردند از موقعیت و خلا قدرت دولت مرکزی استفاده کنند و موقعیت خود در کردستان سوریه را بهبود بخشند. لذا این جریان در توافقی اعلام نشده با دولت بشار اسد، کنترل کردستان سوریه را بدست گرفتند و رسماً اعلام کردند که بشار اسد و اپوزیسیون این دولت در گرفت و بخش وسیعی از این کشور به میدان جنگ و کشتار وسیع و آوارگی و غرب) وارد جنگی نخواهند شد. دولت

## مهندسی فلاکت در ایران

### مصطفی اسدپور

«سرزمین سوخته» توصیفی است که برای وضعیت بجا مانده اقتصادی ایران در پی دو دوره دولت احمدنژاد بکار برده شده است. این ارجاع به گرانی و تورم و بیکاری لگام گسیخته ای است که آن جامعه را در خود بلعیده است. اینکه گویا سرزمینی هست که «سوخته» است و گویا سیاستهای احمدنژاد مسبب آن بوده است؛ مخرج مشترک مجموعه عظیمی از تبلیغات و توجیهات مسخره ای است که هر روزه توسط مسئولان حکومتی و خیل رسانه ها و متخصصین قد و نیمقدشان به سمت جامعه پمپاژ میشود. مضحکتر از آن، صحنه ایستکه حسن روحانی با پرچم مقابله با گرانی و تورم رو به مردم زحمتکش ناجی رونق اقتصادی و رهایی از فقر قلمداد میگردد. ظاهراً بودجه زیادی صرف مردم زحمتکش شده است، ظاهراً فقیرنوازی افراطی جناب احمدنژاد ضربه سختی به اقتصاد مملکت زده است. ظاهراً اینکته سختگیریهای دولت فعلی بدهی قبلی خود مردم زحمتکش است؛ ظاهراً اینکته مردم باید بلاخره بفهمند مضایقات کار و زندگی برای پاسداری از منافع خود آنهاست! آخر چقدر باید دولت فعلی حرص بخورد تا این مردم دوستان «واقعی» خود را بشناسند؟! اینکه احزاب و دارو دسته های مختلف طبقه حاکم کاسه و کوزه فجاج اجتماعی را سر رقیب بکوبند، اینکته مقامات حاکم خود را منجی قلمداد کنند و ضد مردمی ترین سیاستهایشان را در جلد

صفحه ۴

## دولت سازی به شیوه بی بی سی

### کشتار در غزه



### فواد عبداللہی

ده روز پیش، همزمان با براه افتادن اعتراضات در کشورهای اروپایی در دفاع از مردم غزه علیه جنایت اخیر اسرائیل، سربازان ناتانیاهو تظاهرات صلح طلبان فلسطین در شهرهای رام الله، نابلس و هیرون را به زیر آتش گرفتند، و بیش از ۲۵۰ نفر را زخمی کردند! ولی این خبر در دستگاه تبلیغات جنگی دول غربی و رسانه های بی «طرف» و بی «نظر» و «سی «طرف» ارتجاع امپریالیستی، از جمله بی بی سی مسکوت گذاشته شد تا افکار عمومی را در این توهم نگاه دارند که «خشونت» فقط شامل حال مردم غزه می شود، آنهم به این دلیل که حماس با اسرائیل می جنگد! در کنار این «جنگ» زوزه های «صلح طلبانه» باراک اوباما و بقیه لاشخوران دول منطقه، چاشنی رسانه های جهان است. از آغاز این لشکرکشی و عنان گسیختگی آشکار علیه مردم غزه، از منظور پروپاگاندا رسانه ای، حماس ابزاری بوده تا با دست کشیدن به سر و ریش اش، نه تنها جاده جنایت و قلداری دولت اسرائیل هموارتر شود، بلکه مسئله استقلال فلسطین و تشکیل دولت سکولار را قربانی مسئله «حاکمیت اسرائیل - حماس»، «جانبدار» می کنند، تا خشونت و جنایت توجیه شود. این همان فلسطین است که هفتاد سال به زیر چنگ و دندان اینها، پوست و خون و گوشت اش نصیب کشمکش مشتی مفتی و جنایتکار جنگی شده است.

وقاحت و بازاربایی رسانه های بورژوازی در بلبشوی حاکم بر سیاست جهان امروز و به طور اخص خاورمیانه را دستکم نگیریم. تاریخاً، سوخت این ماشین جنگی بعنوان بخشی از دستگاه پروپاگاندا و جهانیان رویت فرموده اند، از آن کاملاً

صفحه ۲

## دولت سازی به شیوه بی بی سی

سفيد از حقوق بشر داد سخن می داد، در واقع نقشه سرکوب انقلاب ۵۷ ایران و تبدیل این کشور به پشت جبهه طالبان در دستورشان بود. اینها چنان پدیده استیصال را در جای جای جهان امروز نهادینه کرده اند که حتی با افشا شدن نقش بی بی سی بعنوان چاکر تاجر در سرکوب اعتصاب معدنچیان انگلیس، آب از آب تکان نخورد. چنان بشریت را با پستانک اینترنت و میدیا فاقد اراده کرده اند که حتی با وجود بر ملا شدن هیاهوی تبلیغات رسانه ها بر سر وجود سلاح های کشتار جمعی در عراق و دهن کجی به مردمی که علیه این جنگ به خیابانها آمدند، کسی کک اش نگزید.

امروز به یمن وجود بلندگوهای ماشین جنگی دول غربی میتوان طرح عملی هر جنایت و تجاوزی را بی پرده پیاده کرد و فروخت و «حق» خود دانست. چه باک! دنیا پر است از ژورنالیست نان به نرخ روز خور و دست راستی. «تلاش» ها و «روشنگری» ها کردند تا خاورمیانه و در راس آن مردم عرب زبان را، پرسوناژهای منفی در فرهنگ سیاسی غرب پس از پیدایش اسرائیل جا بیندازند: یک منطقه ممنوعه، بی ثبات، مخاطره آمیز، غیر قابل اتکا، و خصمانه که حفره های سیاهی بنم اسلام سیاسی، داعش و قومگرایی در آن ایجاد شده است. انقلابات بهار عربی را همه از دم، زیر تیغ گیوتین همین «فرهنگ سیاسی» بردند. باورتان نمی شود؟ از کلیتون ها، از بوش ها و بلرها، از اواما ها و مرکل ها بپرسید که چگونه میتوان سوزه ضد انقلاب القاعده ای و «داعش»ی ساخت و استیصال و بی عملگی عمیق امروز بشر در جامعه و راست راست راه نظامی آمریکا و دول غربی بر دوش کاروانی از متخصصین شستشوی مغزی که تحت نام محقق و کارشناس و شرق شناس تحت لوای فاکت و تحلیل «عمیق» به خورد مردم می دهند، تولید شده است. درست همانند نقشی که کلیسای قرون وسطی در خلق «حقیقت» داشت، میدیای امروز سیستماتیک دروغ تولید می کند، جعل میکند و تاریخ می سازد. راه دور نیروی؟ انقلاب ۵۷ ایران بدون فداکاری این ماشین تزویر در حقیقت کردن ارتجاع اسلامی و پیدا کردن سر و کله امام در ماه و نهایتا سرکوب آن قیام، ناقص می ماند. میدیایی که شریک جرم تاجر و بلر و بوش و ناتو در کشتار مردم بی گناه عراق، افغانستان، سوریه، فلسطین، افریقای جنوبی، سومالی و غیره است. امروز هم مردم با آگاهی به همه حقه بازی و مزدوری ژورنالیسم و روشننگران و سیاستمداران جهان، دست آخر روایت میدیا از دنیا را می پذیرند. بی خود نیست خانم کلیتون میتواند با بشیرمی و وفاتحت تمام از دریاچه دوربین این رسانه ها، صاف صاف چشم در چشم جهانیان بدوزد و اقرار کند که مبدا فراموش کنید که این ما (امریکا) بودیم که طالبان و القاعده و داعش را با هزینه های سرسام آور، سرهم بندی کردیم و به جان مردم منطقه انداختیم. ما به طالبان و القاعده برای مقابله با نفوذ شوروی در منطقه نیاز داشتیم و امروز بعد از اتمام کارمان با آن ها، در منطقه بحران زا شده اند. ایشان اما این نکته را هم از قلم انداخت که آنزمان که جیمی کارتر، در کاخ

رفتن ارتجاع محلی و بین المللی را هوا کرد. حقیقت اینست که دستگاه تبلیغات جنگی دول غربی زیر نام و نشان میدیای آزاد به اندازه خود بمب افکنهای ناتو در ایجاد سناریوی سیاه امروز خاورمیانه تکلیف سنگینی بدوش داشته اند. اما آنجا که گوش را به زمین میچسبانید صدایی متفاوت هر چند ضعیف قابل شنیدن است. صدایی مستقل از احساسات فاشیستی کذا و هیاهوی روزمره رسانه ها در مورد فلسطین. صدایی سکولار که اگر برخیزد تذبذب کاخ سفید را در هم خواهد پیچید و مرتجعین منطقه را سر جای خود خواهد نشاند. بر متن انزوی اسرائیل، جنبش دفاع از مردم فلسطین از واشنگتن و نیویورک تا رام الله و هیرون امکان ابراز وجود پیدا کرده است. نه فقط این بلکه حتی فرصتی است که سران دولتهای خودی و میدیایی پست و دست راستی این جوامع را نشانه گرفت و رسوا کرد. فشار تاکتون به حدی است که نمی توانند اعتراضات اروپا و امریکا را زیر پستو سانسور کنند. رام الله را می شود سانسور کرد؛ پاریس و نیویورک را نه! این آن هراسی است که بی بی سی و سی ان ان و شرکا در دل دارند.

اکنون زمان خارج کردن بحران فلسطین از جایگاه واقعی و مادی اش فرا رسیده است. بحرانی که ریشه در هزیمت استراتژی جهانی آمریکا نه فقط در مقابل سایر دول ارتجاع امپریالیستی همچون چین و روسیه بلکه در برابر عروج بورژوازی عرب که بیش از این انزوا و عقب ماندگی از جهان سرمایه را به خاطر حفظ موجودیت اسرائیل، نمی پذیرد. این آن واقعیتی است که شهرک سازی های غیرقانونی دولت

اسرائیل را در پس عقب نشینی غرب از خاورمیانه به مخاطره انداخته است و ماشین جنگی آن را بار دیگر به حرکت در آورده است. توحش امروز دولت فاشیست اسرائیل علیه مردم فلسطین، عکس العملی به انزوای اسرائیل، از دست دادن موقعیت استراتژیک خود و به خطر افتادن موجودیت آن است.

آنچه روشن است فرصتی است که به بهانه شکست استراتژی آمریکا همراه با انزوای دولت قومی - مذهبی اسرائیل در خاورمیانه بدست آمده، تا جهان شاهد پایانی بر مصائب مردم فلسطین باشد. به میدان آوردن نیرویی که بیش از این حاضر به تباری و مماشات با ارتجاع قومی و مذهبی در منطقه نیست و در همان حال مبشر آزادیخواهی و دفاع از دولت سکولار فلسطین در این منطقه است، امر جنبش کمونیستی است. بی بی سی به چه زبانی بگوید باید در این کار تعجیل کرد. تبلیغات کر کنند و «متمدنانه» رسانه های رنگارنگ بورژوازی، چیزی نیست جز سنگ اندازی در مقابل این امر. عربده های «انساندوستانه ای» که از حلقوم وحوشی از قماش خامنه ای و رفسنجانی و لاریجانی و روحانی بیرون می زند واقعیت را به پشت صحنه نخواهد راند: دولت نتانیاهو و دستگاه تبلیغات جنگی دول بورژوا امپریالیستی نخواهند توانست با قتل عام و بمباران کارخانه برق و نابودی دیگر زیر ساخت های غزه، بیش از این حماس را با پول نفت شیخک های عربستان و قطر و ایران، و با تسلیحات و آذوقه آتارکی های آنکارا سر پا نگاه دارند. این سنگر فرو ریخته: وقت خداحافظی با دوقطبی اسرائیل - حماس فرارسیده.

## کوبانی و تقابل با داعش

رشد کنند. چنین کاری سکویی برای اتحاد آنها حتی در فدای سناریوی سیاه در مقابل احضافاتی است که جامعه بورژوازی و طبقات حاکمه علیه طبقه کارگر و مردم زحمتکش خواهند کرد. میخوامم بگویم که کمونیستها با سازماندان مردم در محلات و... سستی از مبارزه و امکانی برای دخالت طبقه کارگر و ستمدیدگان جامعه در مقابل دولتهای بورژوازی و برای دخالت در سرنوشت خود ایجاد میکنند. لذا جبهه بستن و صف متحد و یکی شدن

دفاع از سکولاریسم و یک حکومت متمدن و سلکولار آنها را متحد کرد. باید توان دفاع از خود آنها، سازمانهای توده ای و تشکلات کارگری برای دفاع از مدنیت را در کارخانه و مدرسه و محله و شهر سازمان داد. باید کاری کرد که توده مردم جامعه، کارگران و بخش محروم جامعه از دل مبارزه ای که در جریان است قوی تر و متحد تر بیرون بیاند، خودآگاه شوند و

یکی شدن معمولاً رو به محرومین جامعه، رو به تشکل کارگری و تحزب کمونیستی و سیاسی این طبقه و برای الغای آن طرح میشود، کاری که خودکشی است.

کار ما نیست و این فدا کردن خودآگاهی طبقه کارگر و لطمه زدن به اتحاد طبقاتی این طبقه است. ما آرزو میکنیم همه نیروهای سیاسی از کار ما و تلاش ما برای اتحاد در میان مردم در محله و.. برای دفاع از زندگی خود و دخالت در سرنوشت خود استقبال کنند. اگر چنین باشد ما که مشکلی نداریم. اما در دنیای واقعی هیچ حزب و دولت بورژوازی به نام مقابله با سناریوی سیاه حزب و سازمان و تحزب سیاسی خود را ملغا نمیکند. بحث الغا و

## کوبانی و تقابل با داعش

جنگ سوریه همراه با عربستان سعودی و قطر، متحدین منطقه ای دولت آمریکا بودند و خطر قدرتگیری نیروهای کرد در کردستان سوریه را که هم مرز با ترکیه است، تحمل نمیکرد. خصوصاً اینکه حزب اتحاد دمکراتیک هم پیمان حزب کارگران ترکیه (پ ک ک) است و به عنوان شاخه سوریه پ ک ک از آن اسم میبرد. چند مورد جریانات تروریستی جبه نصر و القاعده که داعش کنونی بخشی از آن بود حملاتی به این منطقه را با تحریک دولت ترکیه کردند که با مقاومت نیروهای مسلح و مردم این مناطق روبرو شدند و راه به جایی نبردند.

اکنون و بعد از حمله داعش و بعثیهای سابق و عشایر سنی مذهب به شهرهایی از عراق و تسخیر بخشی از مناطق عراق و از جمله شهر موصل و بدست آوردن امکانات مالی، تدارکاتی و تسلیحاتی وسیع، جبهه ای را در سوریه و برای تسخیر بخشی از کردستان سوریه باز کرده اند. در حقیقت داعش که مدعی بخشی از کردستان سوریه به عنوان منطقه فرمانروایی خود (حکومت اسلامی شام و عراق) است، خود را در موقعیتی مییافت که میتواند از این فرصت و با امکاناتی که دارد، منطقه تحت کنترل خود را وسعت بدهد. حمله به شهر کوبانی و تعدادی از روستاهای سوریه در پی چنین سیاستی اتخاذ شد.

متأسفانه اخبار مقاومت مردم کردستان سوریه و شهر کوبانی در مقابل داعش، از سوی خبرگزاریها پوشش زیادی داده نمیشود. اما اخبار پراکنده ای که تا کنون از جنگ داعش با مردم منطقه پخش شده، حاکی از این است که علیرغم اینکه مردم این شهر مدتی است عملاً در محاصره نیروهای داعش هستند، اما از شهر و زندگی خود دفاع کرده اند و مانع سقوط کوبانی شده اند. مردم کوبانی میدانند که داعش بعنوان یک نیروی سیاه و جنایتکار که اتکایش بر توان توحش خود است، اگر موفق شود مدینت و زندگی مدنی در این شهر را نابود میکنند. مردم به همراه نیروهای حزب اتحاد دمکراتیک برای نجات شهر، برای نجات جان و زندگی خود، تا کنون سرسختانه مقاومت کرده اند.

لازم به ذکر است طبق اخبار منتشره داعش ۳ شهر شمالی عراق (زمار، سنجان و وانا) را که تا کنون نیروهای اقلیم کردستان در آن مستقر بوده اند را گرفته است. همزمان سد بزرگ موصل را از دست پیشمرگان اقلیم کردستان در آورده است.

**حکمتیست:** در محافل مختلف بحث از کوتاهی دولت اقلیم کردستان در مورد کردستان سوریه و عدم دفاع آنها در مقابل داعش می‌رود. رابطه حاکمین اقلیم کردستان عراق و نیروهای مسلح در کردستان سوریه چه است؟

**خالد حاج محمدی:** نیروی اصلی که در حال حاضر بیشترین قدرت را در اقلیم کردستان عراق دارد بارزانی است که در عین حال رئیس اقلیم کردستان است. بارزانی به دلایل زیادی و از جمله روابط اقتصادی و تجاری با دولت ترکیه در کل این چند سال متحد این دولت بوده است. در جنگ سوریه نیز بارزانی تلاش فراوانی کرد که با تقویت هواداران خود در کردستان سوریه و با ارسال نیرو به این منطقه مانع قدرتگیری حزب اتحاد دمکراتیک که متحد او جلان است بشود. این تلاش مورد پشتیبانی ترکیه بدلیل جنگ چند دهه گذشته اش با پ ک ک بود. اما تلاش بارزانی با مقاومت جریانات ناسیونالیست سوریه روبرو شد و عملاً راه به جایی نبرد. توجه داشته باشید که در زمان آوارگی وسیع مردم سوریه، که بخشی از آنها از مردم کرد زبان بودند و به طرف کردستان عراق فرار کردند و میخواستند به مردم این منطقه پناهنده شوند، دولت اقلیم مرز را بر روی آنها بست. یکی از انتقادات جدی به دولت اقلیم حتی از جانب احزاب ناسیونالیسم این اقدام دولت اقلیم بود. می‌خواهم بگویم که مشکل بارزانی و دولت اقلیم در منطقه و در دل سناریوی سیاه در عراق و کردستان، نه امنیت و آسایش حتی مردم کرد زبان بلکه بهبود موقعیت و قدرت خود است. آنها در زدوبندهایی که با دولتهای منطقه از جمله با ترکیه دارند هر برنامه و کاری را باید با دولت اردوغان توافق کرده باشند. همین یکی دو روز گذشته خبر اعتراضاتی در سلیمانیه به

بودن آنها در یک رابطه بدور از تعقل و عمیقاً سکتی مذهبی یا قومی، آماده میکند که به خود بمب ببندد و مدرسه و بیمارستان و کودکستان و مردم را در اتوبوس و بازار شهر با منفجر کردن خود نابود کند، دیگر تمدن و لزوم وجود زندگی شهری و جمعی، برایش ارزشی ندارد.

بعلاوه کمونیستها و هر نیروی سیاسی جدی، بورژوازی یا هر چه، توافقی با تبدیل جامعه به جولانگاه چنین نیروهایی ندارند. بلاخره هر بورژوازی از سر منافع مادی خود مخالف نابودی یک مملکت و یک جامعه بشری است. تامین سود برای بورژوازی شرطش وجود یک جامعه است با سوخت و با نرمهایی که جوامع بشری دارند. به همین دلیل در دوره سناریوی سیاه کم نیستند نیروهای بورژوازی که با در این مقاطع و برای مقابله با چنین اوضاعی کمونیستها و این نیروها همسویی های خواهند داشت. از جمله اینکه هر دو مخالف وجود داعش ها و حاکمیت آنها حتی در یک روستا هم هستند. در عراق و سوریه اکنون چنین وضعی در جریان است.

اما همسوی با جریانات بورژوازی و یا سناریوی سفیدی و حتی رابطه و همکاریهای تعریف شده در چنین دورانی و در دفاع از یک جامعه، به معنای اتحاد و جبهه متحد و کنار گذاشتن اختلاف نیست. چنین تعبیری چیزی جز انحلال جبهه کارگر و تحزب آن به نفع بورژوازی نیست. ما به عنوان کمونیست و هر جریان و گروه کمونیستی در عراق یا سوریه و هر جای دنیا، قاعدتاً باید مبشر اتحاد مردم در شهر و محله و مراکز کار برای دفاع از مدینت و زندگی خود در مقابل داعشها باشند. باید کاری کرد که احساس همسرنوشتی، هم منفعتی و اعتماد به نفس در میان توده کارگر و زحمتکشان، در میان زن و جوان و... حول دفاع از مدینت و علیه هر نوع تحریکات قومی و مذهبی بالا برود. باید با هر نوع ناسیونالیسم و هر نوع قوم پرستی، وطن پرستی و تقسیم مردم و منتسب کردن آنها به ملتها و اقوام و مذاهب مختلف و در

بارزانی و کلا اقلیم کردستان بود که در مقابل تعرض داعش به شهرهای شمال کردستان مقاومتی نکرده است. صحت و سقم این ادعا هر چه باشد مردم منطقه و مردم کردستان سوریه میدانند که بارزانی و حکومت اقلیم در زدوبندهای منطقه ای دنبال منافع خود است و سرنوشت مردم کردستان و مشکلات آنها و مقابله جدی با داعش امر جدی این دولت نیست. به این دلیل روشن که دولت ترکیه در عراق در تقابل با نقش جمهوری اسلامی تا کنون ضمنی از داعش دفاع کرده است، داعش در جنگ با دولت اسد در سوریه همپیمان دولتهای غربی، عربستان و قطر و ترکیه بوده است. و حکومت اقلیم و مشخصاً جریان بارزانی متحد ترکیه است. اینکه ادامه حملات داعش و جنگی که در شمال عراق راه انداخته و مواضعی که کسب کرده است، ممکن است دولت اقلیم را به جنگ جدی با داعش بکشاند، بعید نیست و باید دید. اما تا کنون بحث از توافق ضمنی بارزانی با نیروهای داعش با دخالت دولت ترکیه در جریان بوده است.

**کمونیست:** آیا هر نیروی کمونیستی که در عراق یا سوریه است نباید در این اوضاع همراه با مخالفان داعش در یک جبهه متحد بجننگد؟ آیا امروز چنین اتحادی لازم نیست؟

**خالد حاج محمدی:** نیروهایی چون داعش، القاعده و... علیه نفس مدینت جامعه بشری هستند. اینها موی دماغ سوخت و سازم موجود و امنیت و سطحی از رفاه و تمدن بشری که دستاورد انسان است هستند. اینها و هر نیرویی که انسانها را بر اساس قومیت، ملیت، وطن، مذهب و... به جان هم میاندازند از این قبیل هستند. نفس وجود جامعه و درجه ای از مدینت شرط وجود امکان مبارزه و اتحاد انسانها، اتحاد طبقاتی طبقه کارگر برای بهبود زندگی و برای بهبود موقعیت خود در مقابل بورژوازی است. لذا برای ما به عنوان کمونیست و برای هر نیروی مدنی و متعینی دفاع از زندگی و امنیت مردم در مقابل چنین جنایتکارانی یک اصل است. اینها موی دماغ هر نوع تمدن و هر نوع رابطه انسانی و متعین در جامعه هستند. کسی که به جای مبارزه سیاسی، نظری و... مشتی قربانی را با مسخ انسان

### مهندسی فلاکت در ایران

منافع مردم قالب کنند، فاعده عمومی همه جوامع سرمایه داری است. جمهوری اسلامی نه یک استثنا بلکه از کثیفترین نمونه هاست. معرکه گیری دو قطبی «پوپولیسم احمدنژاد» و «عقل گرایی روحانی» یک پدیده ژورنالیستی پوک و آنقدر توخالیست که فقط بیشتر از هر چیز افشاگر دشمنی مشترک کل طبقه بورژوا و حاکمین اسلام علیه کارگر و مردم زحمتکش میتواند بکار بیاید.

میشود پرسید کدام پوپولیسم؟ گیریم در شهر هرت دنیای ژورنالیستی جمهوری اسلامی، لابد بلاخره یک مقال ناقابل وجدان جایی پیدا میشود که بپرسد مگر در دوران احمدنژاد چیزی نصیب کارگر شد؟ دو دوره حکومت ایشان خط فقر مثل طاعون بجان طبقه کارگر افتاد، سال پس از سال دستمزدهای سالانه زیر خط فقر رسمیت پیدا کرد، اخراج کارگران بدون دستمزدها عملاً رنگ قانونی گرفت، سال پس از سال با انواع طرحهای وام مسکن و سهام عدالت و امثالهم به ریش کارگر خندیدند، سختگیرترین قانون کار ضد کارگری چهارمیخه شد، گرانی و تورم رسماً به ابزار حکومت برای تراز بیلهنهای مالی بکار گرفته شد. کسی فراموش کرده است که احمدنژاد با خط بطلان بر یارانه ها به قهرمان ابدی بورژوازی ایران ملقب گردید؟ دست مرکز پژوهشهای مجلس اسلامی درد نکند که با گزارش منتشره جلوی دهان اقتصاد دانان فرهیخته را گرفت و گرنه هنوز کسانی بودند که یارانه پرداختی و یا کیسه های سیب زمینی اهدایی را بعنوان ولخرجی زیادی برای زحمتکشان جامعه جار بزنند.

مردم تلختر ساخت. احمدنژاد را باید لایقترین فرزند بورژوازی ایران لقب داد چرا که چهره طبقاتی آن جامعه را رسمیت بخشید، ایران هر جهنمی برای طبقه کارگر و مردم زحمتکش از آب درآمد، اما سرزمین سوخته بورژوازی ایران نبود. ایران، سرزمین میداناری پست فطرت ترین طبقه بورژوا گردید که در سود پرستی و حمله به طبقه کارگر هیچ مرزی را نمیشناسد و بعلاوه در ذلت خندیدن به ریش قربانیانش از هیچ ذخیره لمپینی - اسلامی فروگذار نیست.

میشود پرسید در کدام سیاست و کدام لایحه و کدام قانون دوره احمدنژاد توسط راه و روش عقلانی دولت جدید تجدید نظر شده است؟ حقیقت اینست که دولتها یکی پس از دیگری، همه ارگانهای حکومت در همکاری با هم دارند بحران اقتصادی گریبانگیر را به نفع طبقه حاکم حل میکنند. این بحران تنها به قیمت عقب نشینی بزرگ طبقه کارگر و مردم زحمتکش و بر روی بی حقوقی مطلق آنها قابل حل است. سرمایه باید به سود آوری مورد نیاز خود متکی شود. کارگر باید چشم به مقتضیات سرمایه داری معاصر خویش باز کند... کارگر باید پنبه رفاه را از گوش خود درآورد... کارگر باید کار شدیدتر و ناامن تر را هضم کند... کارگر باید دور مسئولیت دولت در مقابل درمان و بهداشت را خط بکشد... کارگر باید بیکاری دورقمی و ناامنی کار را فرض بگیرد... کارگر باید منطق بازار و سود سرمایه را در شکل گرانی و تورم رادرست مشابه مشیت الهی کردن بگذارد...

بحران موجود بخشی از واقعیت حکومت سرمایه است، حل آن با تحمیل فلاکت به طبقه کارگر مقدور است و دولت سرمایه داران در ایران در حال مهندسی این فلاکت است. اگر بحران هست، اگر رقابت میان بخشهای سرمایه شدت گرفته است، اما در عین حال روزانه یازده میلیون کارگر در واحدهای تولیدی کار میکنند و سود حاصل کارشان به جیب سرمایه داران میرود. این زمینه مادی شور و هیجان و

اشتها و اعتماد بنفسی است که در میان طبقه سرمایه دار ایران موج میزند. ایران برای این طبقه سرزمین سوخته نیست، ککشان برای میلیونها فقیر و گرسنه و معتاد و خودفروش نمیگذرد، میلیونها بیکار برای آنها مانع نیست. برعکس اینها قواعد بازی، نعمات و امکانات، جزو داده هایی است به بهترین شکل ممکن سازمان یافته. در این سی سال یک طبقه بورژوازی ثروتمند و یک شناخت این حقایق برای کارگری که هر روز تاوان حکومت نکبت سرمایه را با گوشت و خون خود و فرزندانش میپردازد ابد ا دشوار نیست. در آن جامعه به فراوانی ثروت و امکانات انباشته است، این واقعیت غیر قابل انکار مقابل هر کسی است وجدانی در توشه دارد. گره گاه و پیچیدگی پایان بخشیدن به دور باطل بحران و فلاکت، دور باطل تولید و بی حقوقی در این نهفته است که دست سرمایه و منطق سرمایه را از سر تولید و

## رادپو نیئا Radio Neena

رادپو نیئا هر شب ساعت ۸:۳۰ تا ۹ شب به وقت تهران از طریق ماهواره ها تبرد پخش میشود.

رادپو نیئا را گوش دهید و آنرا به دوستان و آشنایان خود معرفی کنید.

[www.radioneena.com](http://www.radioneena.com)

Satellite: Eutelsat HOTBIRD 13A 13°  
Frequency: 12597  
POL: V  
FEC: 3/4  
Symbole rate: 27599  
Audio PID: 2130



[www.hekmatist.com](http://www.hekmatist.com)

سردبیر: فواد عبداللهی

[fuaduk@gmail.com](mailto:fuaduk@gmail.com)

تماس با حزب

[hekmatistparty@gmail.com](mailto:hekmatistparty@gmail.com)

حکمتیست هفتگی را بخوانید و آنرا وسیعاً توزیع کنید.

## زنده باد انقلاب کارگری